

مکتب کنش متقابل نمادی

(قسمت دوم)

تهیه کننده: ناهید مطیع

«خود» (me) به واقعیتی اطلاق می‌شود که فقط در سربش
تجارب و فعالیتهای اجتماعی تجلی می‌یابد. به عبارت دیگر
مفهوم خود در یک فرد به جهت ارتباطات اجتماعی وی شکل
می‌گیرد و توسعه می‌یابد.

«نماد» مفهومی است که هربرت مید و کنش متقابل گربان
آن را پایه و اساس نظریه خود قرار داده‌اند و از آن به عنوان رکن
اصلی در جریان جامعه‌پذیری یاد می‌کنند. در تعریف نماد گفته
می‌شود: «هرگونه بیان لفظی یا غیر لفظی که قصد دارد چیزی را
نشان دهد و یا معنا را از پیام دهنده به گیرنده منتقل کند»

معرفی مقاله

۳ - «هربرت بلومر»

هربرت بلومر یکی از برجسته‌ترین
شاگردان مید و سخنگوی مشهور مکتب
شیکاگوست. وی پس از تحصیل در دانشگاه
شیکاگو در سال ۱۹۵۲ در دانشگاه برکل
کالیفرنیا به تدریس پرداخت و کوشید تا آراء
مید را گسترش داده و غنا بخشد. اگر چه بلومر
دارای آثار زیادی نیست، اما کتاب معروف او
بنام: «Society as symbolic interactionism»

بسیاری از نقاط مبهم نظریه مید بخصوص
جنبه روش شناختی آنرا روشن ساخت.

بلومر در کتاب «جامعه مظهر کنش متقابل
نمادی» بادی انتقادی ابتدا مکاتب مختلف
جامعه‌شناسی و روانشناسی را به نقد کشید و
سپس اصول بهتر تحقیق را از دیدگاه مکتب
کنش متقابل نمادی ارائه داد.

از نقطه نظر وی این مکتب خود دارای
زمینه‌ای اصیل برای انتخاب و بکارگیری
روش تحقیق در مطالعات اجتماعی است.

اصول مکتب کنش متقابل نمادی در مقابله
با سایر مکاتب

از نظر بلومر مکتب کنش متقابل نمادی بر
سه اصل استوار است:

قسمت اول مقاله «مکتب کنش متقابل
نمادی» که در شماره قبل به چاپ رسیده اشاره
شد که این مکتب در آمریکا و تحت نفوذ
پراگماتیسم شکل گرفت، بعدها به عنوان
شاخه‌ای از مکتب رفتارگرایی معرفی شد.
تفاوت عمده آن با مکتب رفتارگرایی در
تأکیدی است که بر مفاهیمی همچون: گرایش،
خود و شخصیت دارد.

«هربرت مید» از بنیانگذاران این مکتب از
سرآمدان بینش جامعه‌شناسی است. مهمترین
مفاهیمی که «مید» درباره آن سخن گفته
می‌تواند: «خود»، «نماد»، «ذهن» و جامعه را نام
برد.

«مید» جامعه را پدیده‌ای ارزیابی می‌کند که
از کنش‌های متقابل بین افراد ناشی می‌شود از
ایس رو جامعه الگوی ساخته شده‌ای از
فعالیت‌های هماهنگ افراد است که از طریق
کنش متقابل نمادی در بین آنها بوجود آمده،
تداوم یافته و در نهایت دگرگون می‌شود.

در ادامه مقاله در این شماره نظرات
«هربرت بلومر» یکی دیگر از صاحب‌نظران این
مکتب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رشد علوم اجتماعی

مید معتقد است ظهور «ذهن» تنها در موجود انسانی امکان پذیر است، زیرا انسان است که خصوصیات زیر را داراست؛
اولاً ظهور و تکامل ذهنی بدلیل سیستم عصبی پیچیده انسان هیسر است و این خصوصیتی است که در سایر موجودات
وجود ندارد.

ثانیاً، انسان طبیعتاً موجود اجتماعی است. کودک انسان دارای انگیزش‌های سازمان نیافته است که همواره وابستگی وی
را نسبت به زمینه اجتماعی موجب می‌شود.
در واقع مید معتقد است تنها هنگامی که انسان بتواند از طریق نماد با دیگران ارتباط پیدا کند، حضور و توسعه ذهن در
وی امکان پذیر است.

چشمی چیزی است که بتوان آن را مشخص کرد و به آن رجوع نمود ماهیت هر شیئی در معنایی نهفته است که برای شخص
دارنده و این معنی برای اشخاص مختلف، متفاوت است.

عناصر مختلف روانی و فردی نیز به شمار
نمی‌آورد. بلکه از نقطه نظر مکتب کنش متقابل
نمادی معنای شیئی در نتیجه کنش متقابل بین
افراد حاصل می‌شود. یعنی معنا یک تولید
اجتماعی است که از برخورد فعالیتها و
کنش‌های افراد با اشیاء بدست می‌آید.

ج) تغییر مداوم معنای اشیاء، بر طبق این
اصل معنای اشیاء در جریان کنش‌های
اجتماعی ساخته و پرداخته شده و در نهایت
دگرگون می‌شوند.

بدین ترتیب معنا صرفاً نتیجه مستقیم و
ایستای کنش اجتماعی قلمداد نمی‌شود، بلکه
همواره در حال تغییر و تحول است. از نظر وی
بواسطه کنش متقابل نمادی، زندگی گروهی
انسان ضرورتاً جریانی انعطاف‌پذیر است و
فقط میدانی برای بروز عوامل روانی و
اجتماعی قلمداد نمی‌شود.

از نظر کنش متقابل نمادی، حیات گروهی
فرایندی دامنه‌دار است که در آن اشیاء ساخته
شده، تثبیت گردیده و تغییر یافته و یا به کنار
گذاشته می‌شوند.

در این فرایند نباید نقش مبتکر و خلاق فرد
را فراموش نمود. زیرا انسان نسبت به محیط
صرفاً پاسخ‌دهنده و منفعل نیست، بلکه می‌تواند

گرفتن نقش معنا در رفتار انسانی به اتکای
عوامل فوق، اشتباه بزرگی است. زیرا این
عوامل فقط عواملی هستند که فرد با ارزیابی
آنها کنش خویش را می‌سازد.

ب) منشأ معنا، اصل دوم بر این نکته استوار
است که معنی اشیاء و مفاهیمی که در پیرامون
انسان قرار دارند، از کنش متقابل اجتماعی
ریشه می‌گیرد.

در حالیکه مکاتب مختلف دیدگاه‌های
دیگری دارند: مکتب کلاسیک رئالیسم معنا را
درونی شده در شیئی تلقی می‌کند و آنرا جزء
اصلی و طبیعی شیئی می‌داند. یعنی صندلی
فی‌الذات صندلی است. در واقع معنا به شیئی
مورد نظر متصل و از آن غیر قابل تفکیک
است.

مکتب دیگر (رفتارگرایی) معنا را یک
پدیده روانی می‌داند که از جانب شخص به شیئی
داده شده است. این پدیده روانی عناصر
تشکیل دهنده ذهن و یا سازمان روانشناختی
فرد است.

به نظر بلومر موضع مکتب کنش متقابل
نمادی در قطب مخالف نظریات فوق قرار
می‌گیرد. این مکتب «معنا» را منبعث از طبیعت
و ذاتی شیئی نمی‌داند. همچنین آنرا ترکیب

الف) واکنش فرد، افراد انسانی هنگامی که
در برابر اشیاء قرار می‌گیرند، بر اساس معنایی
که آن شیئی برای ایشان دارد، واکنش نشان
می‌دهند. از نظر بلومر می‌توان اشیاء را به سه
دسته طبقه‌بندی کرد:

اشیاء فیزیکی مثل درخت یا دوچرخه - اشیاء
اجتماعی مثل محصل، دوست، مادر، و اشیاء
مطلق یا انتزاعی مثل اصول اخلاقی، عدالت و
زیبایی.

به هر حال یک شیئی چیزی است که بتوان
آنرا مشخص کرد و به آن رجوع نمود. ماهیت
هر شیئی در معنایی نهفته است که برای شخص
دارد، و این معنی برای اشخاص مختلف،
متفاوت است.

در مقابله با این اصل روانشناسان بر
عواملی چون گرایشها و محرکها و
جامعه‌شناسان بر عوامل چون نقش اجتماعی،
مسائل فرهنگی، منافع طبقاتی و ساخت
اجتماعی تکیه می‌کنند و سعی دارند تا نشان
دهند که معنای اشیاء برای افراد تحت‌الشعاع
عوامل مذکور قرار می‌گیرد. در حقیقت رفتار
فرد با عوامل مذکور ارزیابی می‌شود. در
حالیکه از نظر کنش متقابل نمادی، معنا برای
افراد خصوصی و شخصی است. اصولاً نادیده

به نظر بلومر مکتب کنش متقابل نمادی «معنا» را منبعث از طبیعت و ذاتی شنی نمی‌داند. همچنین آنرا ترکیب عناصر مختلف روانی و فسرده نیز به‌شمار نمی‌آورد. بلکه از نقطه نظر این مکتب معنای شنی در نتیجه کنش متقابل بین افراد حاصل می‌شود. یعنی معنا یک تسولید اجتماعی است که از برخورد فعالیتها و کنش‌های افراد با اشیاء بدست می‌آید

به نظر بلومر استفاده از روشهای آماری و تکنیکهای کمی و ریاضی برای تحقیق پیرامون مسائل اجتماعی ناکافی است. در این گونه تحقیقات قضایا، مفاهیم، فرضیه‌ها، روابط بین فرضیه‌ها و در نهایت تفسیر و تحلیل داده‌ها، اغلب اموری جدا از جهان تجربی قلمداد می‌شوند.

بیايد. این مرحله را می‌توان مرحله شناخت نیز نامید. بنظر بلومر محقق در مرحله کاوش یا شناخت، می‌بایست بین دو مفهوم تمیز قائل شود: مفهوم معین (Definitive Concepts) و مفهوم حساس (Sensitizing Concepts) مفهوم معین مفهومی است که دقیقاً به چیزهای مشترکی که در یک طبقه از اشیاء جای می‌گیرند، اطلاق می‌شود. مفهوم معین با کمک تعریفی مشخص از خصوصیات ثابت اشیاء صورت می‌گیرد. اما چون دنیای اجتماعی و تجربی ثابت نبوده و مدام در جریان تعریفهای بازسازی شده قرار می‌گیرد، نمی‌توان از مفاهیم معین در تحقیقات اجتماعی استفاده کرد. مفاهیم اجتماعی همچون فرهنگ، ساخت اجتماعی و نهادها ذاتاً مفاهیمی حساس هستند و دائماً در حال تحول و دگرگونی‌اند. این مفاهیم اگر چه فاقد خصوصیات یا مشخصات ویژه می‌باشند، اما برای محقق به منزله کلیدهای است که دسترسی به دنیای تجربی را ساده و سهل می‌کند.

از اینگونه روشها در تحقیقات اجتماعی است. تست هوش اگر چه قابل اعتماد، معتبر و استاندارد است، اما در عالم واقع مفهوم هوش در جوامع و گروههای مختلف، معنای متفاوتی دارد. هوش را باید در جریان زندگی روزمره هر جامعه خاص بررسی کرد. بکارگیری تست هوش نمونه و استاندارد شده برای همه جوامع در حقیقت چیزی نیست، بجز عقاید تصورات از پیش ساخته شده محقق.

بلومر معتقد است برای دستیابی به واقعیت تجربی، محقق باید بتواند نقش کسانی را که مطالعه می‌کند، خود ایفا کند. یعنی بصورت عضوی از آن جامعه درآید. روش تحقیق از نظر بلومر کلاً دارای دو مرحله اصلی است:

الف) کاوش (Exploration): در این مرحله محقق با مشاهده وضعیت‌های مشخص به تشریح مفاهیم، فرضیات و روابط بین آنها در طرح تحقیق می‌پردازد. برای انجام این هدف محقق سعی دارد تا شناخت و آگاهی خود را از موضوع تحقیق در تماسی بی‌واسطه و گسترش دهد و از این طریق روش حساسی

راهها و ابزار مورد نظرش را بررسی کرده و به صورتی فعال کنش خود را ساخته و آنرا هدایت نماید.

— روش تحقیق از دیدگاه کنش متقابل نمادی

بلومر معتقد است روش علوم تجربی قطعاً متضمن تمام جنبه‌های علمی است. حال آنکه امروزه روش مورد استفاده در علوم اجتماعی، بکارگیری وسیع تکنیکهای پیسترفته کسی است. از نظر وی استفاده از روشهای آماری و تکنیکهای کمی و ریاضی برای تحقیق پیرامون مسائل اجتماعی ناکافی است. در این گونه تحقیقات، قضایا، مفاهیم، فرضیه‌ها، روابط بین فرضیه‌ها و در نهایت تفسیر و تحلیل داده‌ها، اغلب اموری جدا از جهان تجربی قلمداد می‌شوند. زیرا چگونگی تحقیق و انتخاب روش بدون توجه به موضوع تحقیق، بر اساس اصول دگم و تفسیر نابرابر استوار است. برای مثال «تست هوش» مثال بارز استفاده

بلومر معتقد است برای دستیابی به واقعیت تجربی، محقق باید بتواند نقش کسانی را که مطالعه می‌کند، خود ایفا کند، یعنی به صورت عضوی از آن جامعه در آید.

از نقطه نظر دیدگاه کنش متقابل نمادی، جامعه‌شناسانی که در شناخت موضوع تحقیق صرفاً از تکنیک پرسشنامه استفاده می‌کنند، مورد انتقاد قرار می‌گیرند. زیرا پرسشنامه از جانب محقق و با توجه به نگرشها و تعاریف وی تدوین شده است.

تفاوت عمده بین این دو مفهوم در این است که اولی دستورالعمل‌های را به محقق می‌دهد، مبنی بر اینکه چه چیزی را باید دید. ولی مفاهیم حساس فقط جهت‌هایی را که محقق باید ببیند، نشان می‌دهد. بر اساس این تمایز بلومر معتقد است که فرضیات هر تئوری می‌بایست بصورت جملات آزمایشی مطرح شود و شامل استفاده از مفاهیم حساس باشد. بلومر همچنین معتقد است ساختار نظریه می‌بایست بر اساس استدلال استقرائی استوار شود. زیرا با استدلال استقرائی بهتر می‌توان صحت و سقم فرضیه‌ها را بررسی کرد. (ب) بازرسی (Inspection): مرحله بازرسی در واقع مرحله آزمایش و آزمون است: «منظور من از بازرسی، آزمایش مستمرکز و پیگیر جهان تجربی است زیرا هر عنصر تحلیلی و روابط بین عناصر تحلیلی باید مورد آزمایش قرار گیرد» در این مرحله، اطلاعاتی که در مرحله کاوش بدست آمده، آزمایش می‌شود. این مرحله را بلومر، مرحله تحلیل عناصر تجربی نیز می‌نامد. از نقطه نظر دیدگاه کنش متقابل نمادی،

جامعه‌شناسانی که در شناخت موضوع تحقیق صرفاً از تکنیک پرسشنامه استفاده می‌کنند مورد انتقاد قرار می‌گیرند. زیرا پرسشنامه از جانب محقق و با توجه به نگرشها و تعاریف وی تدوین شده است. بلومر و سایر پیروان این دیدگاه بر استفاده محقق از تکنیکهای چون جمع‌آوری مدارک شخصی، بیوگرافی‌ها، مطالعات موردی و مشاهده مستقیم در هر دو مرحله کاوش و بازرسی تأکید دارند. این تکنیکها در واقع نقطه‌نظرهای عاملین کنش‌های اجتماعی را بصورت واقعی آشکار می‌کنند.

منابع و مأخذ:

۱ - نظریه‌های جامعه‌شناسی تألیف دکتر ادیبی و انصاری تهران - انتشارات جامعه سال ۱۳۵۸.

۲ - جزوه درسی «کنش متقابل گرایان» - دانشگاه شیراز - ۱۳۵۹.

۳ - پایان‌نامه لیسانس، حسن ملک، ترجمه کتاب جامعه مظهر کنش متقابل نمادی.

۴ - «فروید چه می‌گوید» تألیف باب الحوایجی - تهران - انتشارات دکارت.

5. Coser. Lewis The Masters of Sociological Thoughts, New York, Har Csurt Brac.

6. Goff. Tom, Marx and Mead. University of York, 1980.

7. Marthindal, Sociological Theoris 1964.

8. Mead Herbert, Mind, Self and Society University of Chicago, 1967. P. 176.